



Munich Personal RePEc Archive

**Economic Growth, Institutions and
Globalization A Critical Review on the
Book One Economics, Many Recipe by
Dani Rodrik**

Mirjalili, Seyed hossein

Institute for Humanities and Cultural Studies

19 March 2022

Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/125775/>
MPRA Paper No. 125775, posted 16 Aug 2025 21:13 UTC

**Economic Growth, Institutions and Globalization A Critical
Review on the Book “*One Economics, Many Recipe*”
by Dani Rodrik**

Seyed Hossein Mirjalili*

Abstract

Understanding the logic behind the success and failure in economic growth, and institutional and global arrangements is the subject of this book. Identifying growth's binding constraints and the need for finding solutions for development issues according to the circumstances of countries is an alternative approach to this book on development. This paper aims at evaluating “*One Economics, Many Recipe*” in presenting an initiative for economic growth and development. Analytical-descriptive method is used in reviewing the book and conducting methodological assessment. The results indicated the advantages and challenges of the arguments put forwarded by the book. Among the advantages is the consideration of each country's circumstances in growth policy, the lack of one size fits all for economic policies for development, challenging the universalism of neoclassical teachings, the distinction between ignition of growth and its sustainability, and questioning of the exaggerating in the benefits of trade liberalization. Among the challenges are using the prescription on the title of the translated book, problems in implementing the growth diagnostic method, utilizing qualitative methods instead of quantitative in growth diagnosis in practice,

* Professor of Economics, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran,
h.jalili@ihcs.ac.ir

Date received: 19/03/2022, Date of acceptance: 27/06/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

neglecting policies and measures for the second stage in growth sustainability, and methodological assessment of growth diagnosis.

Keywords: Economic Development, Globalization, Institutions, Economic Growth, Second Best

رشد اقتصادی، نهادها و جهانی شدن؛ بررسی کتاب یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار

سید حسین میرجلیلی*

چکیده

درک دلایل موفقیت و شکست در زمینه رشد اقتصادی، ترتیبات نهادی و جهانی، موضوع این کتاب است. شناسایی محدودیت‌های دست و پاگیر رشد و نیاز به راه‌حلهای مختلف برای مسایل توسعه بر حسب اقتضائات کشورها، رویکرد بدیل این اثر در توسعه است. این مقاله با هدف ارزیابی کتاب در ارایه طرح بدیل برای رشد و توسعه اقتصادی نگاشته شده است. در بررسی مطالب کتاب از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. بر این اساس به ارزیابی محتوایی و روش شناختی اثر پرداخته شده است. نتایج ارزیابی محتوایی کتاب نشان دهنده مزایا و چالش‌های کتاب است. از جمله مزایای کتاب، لحاظ کردن اقتضائات خاص هر کشور در سیاست‌گذاری رشد، استدلال در زمینه فقدان نسخه واحد برای توسعه اقتصادی، نقد جهان‌روایی آموزه‌های نئوکلاسیک، تمایز میان شروع رشد و تداوم آن، و نقد اغراق در مزایای آزادسازی تجارت است. از جمله چالش‌های کتاب، استفاده از عنوان تجویز در عنوان کتاب به جای دستورالعمل، مشکلات پیاده‌سازی روش آسیب‌شناسی رشد، بهره‌گیری از روش‌های کیفی به جای کمی در آسیب‌شناسی رشد در عمل، نامشخص بودن سیاستها و اقدامات لازم برای مرحله دوم در تداوم رشد، و نقدهای روش شناختی آسیب‌شناسی رشد است.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، جهانی شدن، نهادها، رشد اقتصادی، بهینه دوم

* استاد اقتصاد، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،
h.jalili@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

کتاب "یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار"، نوشته دنی رودریک و ترجمه هادی ورتابیان کاشانی، توسط انتشارات پیک نور و معاونت امور اقتصادی در وزارت امور اقتصادی و دارایی، در زمستان ۱۳۹۷ منتشر شده است. متن انگلیسی کتاب نیز در سال ۲۰۰۷ توسط انتشارات دانشگاه پرینستون منتشر گردیده است.

این کتاب تا کنون به شش زبان: لهستانی، چینی، کره‌ای، اسپانیولی، ترکی و فارسی ترجمه شده است. هر چند مقالات این کتاب (به جز فصل ۴) قبلاً در مجلات اقتصادی منتشر شده‌اند، ولی در مورد رشد، نهادها و جهانی شدن، دیدگاه منسجمی از سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی را ارائه می‌دهند. اولین محور مباحث کتاب این است که دولت نقش مثبتی در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند که فراتر از قادرسازی بازارها برای کارکرد خوب است. دومین محور کتاب که عنوان کتاب است این موضوع است که هرچند یک علم اقتصاد وجود دارد، اما هیچ دستورالعمل واحدی برای توسعه اقتصادی وجود ندارد. در میان آثار رودریک، این کتاب از موقعیت بانفوذی برخوردار بوده و رویکرد اثر در ارائه دیدگاه بدیل در رشد و توسعه اقتصادی، مورد استقبال اقتصاددانان قرار گرفته است. علت انتخاب اثر برای بررسی همانا گستره تاثیرگذاری دیدگاه‌های کتاب، جایگاه رفیع کتاب در میان آثار رودریک و مفید بودن آن در زمینه تدوین الگوی بومی پیشرفت است.

رودریک در مقدمه کتاب بیان می‌کند که به لحاظ تاریخی هیچ ابزاری به اندازه رشد اقتصادی در توانمندسازی جوامع برای ارتقاء فرصت‌های زندگی شهروندان از جمله افراد بسیار فقیر مؤثر نبوده است. از این رو این کتاب حاصل تلاش رودریک در جهت درک دلایل موفقیت و شکست در زمینه رشد اقتصادی در چند دهه اخیر و ارائه تجربیات آن است. در این کتاب نویسنده دو هدف اصلی را دنبال می‌کند. هدف نخست، ارائه تفسیری از تجربیات رشد اقتصادی در گذشته و استخراج و ارائه راهنمایی‌هایی برای سیاست‌های آتی است. هدف دیگر آن، توضیح ماهیت ترتیبات نهادی، ملی و جهانی است که بیشترین حمایت را از توسعه اقتصادی در دوره‌های زمانی بلندمدت فراهم می‌کنند. (رودریک، ۱۳۹۷، ص ۱۱)

از نظر رودریک سیاست توسعه باید با محدودیت‌های دست و پاگیر رشد مقابله کند، به جای اینکه کورکورانه از فهرست از پیش تعیین شده اصلاحات (مانند اجماع واشنگتنی)^۱

پیروی کنند. حتی فراتر از آن حتی اگر دو کشور محدودیت دست و پاگیر مشترکی داشته باشند (مانند دسترسی محدود به اعتبار)، وجود سایر محدودیت ها مانند شرایط سیاسی و نهادهای غیررسمی، بیانگر نیاز به راه حل های مختلف برای کشورها است. علاوه بر آن، تعمیق ادغام اقتصادی ناشی از جهانی شدن گزینه های سیاستی برای کشورهای فقیر را محدود می سازد. از نظر رودریک، فرایندی که کشورها از طریق آن نهادهای خوب را بدست می آورند، کاملاً خاص [idiosyncratic] و متناسب با شرایط آن کشور -context-specific است (رودریک، ۲۰۰۷، ص ۵).

مساله مهم این است که دانش رشد و توسعه گسترش یافته است ولی سیاست رشد و توسعه در عمل موفقیت چندانی نداشته است. از این رو رودریک رویکردهای غالب در سیاست توسعه (یعنی اجماع واشنگتنی مبتنی بر اقتصاد نئوکلاسیک) را نقد می کند و رویکرد بدیل ارایه می کند و آنرا دست پخت دیگری بر اساس علم اقتصاد می داند. سوال این است که چگونه دیدگاه های نامتعارف رودریک مورد استقبال قرار می گیرد، در حالی که با اقتصاد نئوکلاسیک، مغایرت دارد. پاسخ این پرسش را رودریک در کتاب "اقتصاد حکم می راند" داده است. وی می نویسد: "من بارها منطق مرسوم بین اقتصاددانان را نادیده گرفته ام...اغلب به سان اقتصاددانی نامتعارف در این رشته دیده می شوم...یک همکار اقتصاددان هاروارد هر بار مرا می بیند می گوید انقلاب چگونه پیش می رود؟...من به نتایج سیاستگذاری می رسم که متفاوت از بیشتر بینش های دانشگاهی رایج است...برای محسوب شدن به سان یک خودی، باید در چارچوب قواعد (علم اقتصاد) عمل کرد. اگر کار من در اقتصاد مورد قبول قرار گرفته، بدین دلیل است که از این قواعد پیروی کرده ام (رودریک، ۱۳۹۵، ص ۲۴۰).

رودریک با توجه به موقعیتی که در دانشگاه هاروارد دارد، یک منتقد زیرکانه اقتصاد نئوکلاسیک است و دیدگاه های خود در نقد اقتصاد نئوکلاسیک را به عنوان سایر تحلیلهای ممکن بیان می کند. نقد مقررات سازمان جهانی تجارت، دفاع از سیاست صنعتی و آسیب شناسی رشد با مداخله دولت، به رغم تعارض با اقتصاد نئوکلاسیک را مطرح می کند. وی موفقیت اقتصادی اقتصادهایی که از اجماع واشنگتنی پیروی نکردند، به ویژه چین و کره جنوبی را مطرح می کند. از طرف دیگر رودریک نتیجه گیری می کند که "شناسایی موارد رشد بالا که عناصر غیرارتدوکس نقشی نداشته اند، دشوار است (رودریک، ۲۰۰۷، ص ۴۰).

سیاست‌های نامتعارف توسعه سیاست‌هایی هستند که میان اقتصاد نئوکلاسیک (مانند اجماع واشنگتنی) و استراتژیهای توسعه کاملاً دولتی قرار دارند (یعنی بهینه دوم هستند).

در نظر رودریک طیف محدودی از اصلاحات نامتعارف می‌تواند رشد اقتصادی را آغاز کند، همان‌طور که در تجربه اخیر چین، هند و ویتنام بود (رودریک، ۲۰۰۷، ص ۶). به دلیل شکست‌های (نارسایی‌های) بازار مانند سرایت اطلاعاتی و شکست‌های هماهنگی که از روند تحول ساختاری جدایی‌ناپذیر هستند، این اصلاحات متضمن بیش از تضمین حقوق مالکیت است؛ آنچه مورد نیاز است، استراتژی‌های عمومی فعال برای شروع رشد و حفظ پویایی تولید است. شرق آسیا که به‌طور استثنایی رشد کرده است التزام محدودی به سیستم‌های اجماع واشنگتنی داشته است. اصلاحات چین، از اجماع واشنگتن پیروی نکرد، بلکه سیاست‌های نامتعارف و نوآورانه‌ای را به کار گرفت.

سازماندهی مقاله به ترتیب زیر است. پس از مقدمه در بخش دوم، معرفی مولف و آثار وی ارائه می‌شود. در بخش سوم، ساختار کتاب و محتوای فصول ارائه می‌گردد. بخش چهارم به نقد شکلی اثر و بخش پنجم به نقد محتوایی اثر اختصاص دارد. بخش ششم اختصاص به نقد روش شناختی آسیب‌شناسی رشد دارد. سرانجام نتیجه‌گیری، بخش پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲. معرفی مولف و آثار وی

دنی رودریک (۱۹۵۷ -) استاد اقتصاد در دانشگاه هاروارد است. رودریک اقتصاددانی است که در زمینه تجارت بین‌الملل، اقتصاد توسعه، روش‌شناسی اقتصاد، رشد اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد، کتابها و مقالات تأثیرگذاری داشته است. هر چند بیشتر آثار رودریک در زمینه رشد و توسعه اقتصادی بوده است.

با توجه به اینکه کتاب مورد بررسی رودریک در سه زمینه: رشد اقتصادی، نهادها و جهانی شدن است، مهمترین آثار رودریک در این سه زمینه معرفی می‌شود. کتاب "صحبت بی‌پرده در باره تجارت: ایده‌هایی برای یک اقتصاد سالم" (۲۰۱۷)^۲، کتاب "پارادوکس جهانی شدن" (۲۰۱۱)^۳، کتاب "در جستجوی رونق: روایتهای تحلیلی در باره رشد اقتصادی" (۲۰۰۳)^۴، کتاب "حکمرانی جهانی تجارت آن‌گونه که توسعه واقعا اهمیت دارد" (۲۰۰۱)^۵، کتاب "آیا جهانی شدن خیلی جلو رفته است؟" (۱۹۹۷)^۶، مقاله

"آسیب شناسی رشد" (۲۰۰۸)^۷، مقاله "آیا نیاز به بازاندیشی سیاستهای رشد داریم؟" (۲۰۱۲)^۸. سرانجام کتاب "یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار: جهانی شدن، نهادها و رشد اقتصادی" (۲۰۰۷)^۹ در این سه زمینه منتشر شده است.

۳. ساختار کتاب

این کتاب شامل سه بخش و نه فصل است. بخش اول با عنوان رشد اقتصادی، مشتمل بر سه فصل است. در فصل اول، به تفسیر تجربه پنجاه سال رشد و کاستی های آن می پردازد. فصل دوم، اختصاص به تبیین آسیب شناسی رشد دارد و در فصل سوم، رهیافتی عملی برای راهبردهای رشد ارائه می شود.

بخش اول به این پرسش می پردازد که چرا رشد اقتصادی در برخی کشورها، سریع تر از کشورهای دیگر است و تجربیات مربوط به رشد کشورهای موفق، چه درس هایی در زمینه راهبردهای رشد دارد. فصل اول در زمینه رشد اقتصادی، دو استدلال را مطرح می کند. نخست آنکه تحلیل اقتصادی نئوکلاسیک، در سیاستگذاری منعطف است. حفاظت از حقوق مالکیت و رقابت مبتنی بر بازار به سیاستهای منحصربه فرد منتهی نمی شود بلکه می تواند با توجه به شرایط بومی، به طراحی خلاقانه نهادها بپردازد. کشورهای موفق کشورهایی هستند که از این امکان بهره برداری نموده اند. دوم آن که شروع رشد اقتصادی و تداوم آن، تفاوت دارد. برای شروع رشد اقتصادی نیازی به فشار بزرگ نیست بلکه رفع محدودیتهای دست و پاگیر لازم است، هر چند تداوم رشد اقتصادی مستلزم وجود سیاستها و نهادهایی برای حمایت از مولد بودن اقتصاد و فراهم کردن قابلیت تاب آوری برای اقتصاد در برابر شوک ها است. در این زمینه باید از بسته سیاستی مانند اجماع واشنگتنی اجتناب کرد. اقتصادهای آمریکای لاتین که از این اجماع پیروی کردند دچار کاهش رشد شدند. علاوه بر آن سیاستهای موفق چین، هند و شرق آسیا با سیاستهای اجماع تطابق اندکی دارد. از این رو سیاستهای مناسب هر کشور برای رشد باید متناسب با شرایط همان کشور باشد.

فصل دوم به تبیین آسیب شناسی رشد می پردازد و چارچوبی برای شناسایی محدودیت های دست و پاگیر رشد اقتصادی ارائه می شود. بر اساس این چارچوب، راهبردهای اصلاحی می توانند بر حوزه هایی متمرکز شوند که دارای بیشترین

و فوری‌ترین تأثیر بر رشد اقتصادی هستند. در چارچوب آسیب‌شناسی رشد، به منظور شناسایی محدودیت‌های دست و پاگیر رشد اقتصادی از روش "درخت تصمیم [decision tree] استفاده می‌شود. ابتدا این سؤال مطرح می‌شود که چه عواملی رشد اقتصادی را پایین نگه داشته‌اند؟ آیا بازدهی ناکافی سرمایه‌گذاری، محدودیت دست و پاگیر رشد اقتصادی است یا محدودیت دسترسی به منابع مالی عامل آن است؟ در گام بعدی، روی درخت تصمیم به سطحی پایین‌تر حرکت می‌کنیم. به عنوان نمونه، اگر مشخص شد که بازدهی اندک، محدودکننده رشد است، سپس این سؤال مطرح می‌شود که آیا دلیل این امر موقعیت جغرافیایی نامطلوب است؟ یا سرمایه انسانی اندک و یا زیرساخت‌های ناکافی؟ این رویه تحلیلی ادامه می‌یابد تا محدودیت دست و پاگیر رشد شناسایی شود. در بخش پایانی این فصل، کاربرد این روش در مورد سه کشور آمریکای لاتین - السالوادور، برزیل و جمهوری دومینیکن - بررسی شده است.

فصل سوم به چگونگی صورت‌بندی راهبردهای رشد در سه گام می‌پردازد. گام نخست، تجزیه و تحلیل آسیب‌شناسی رشد اقتصادی است. دومین گام، رفع محدودیت‌های شناسایی شده در گام نخست است. بدین منظور باید از سیاست‌هایی که با آگاهی نسبت به ویژگی‌های بومی (و آمایش سرزمین) طراحی شده‌اند استفاده نمود. گام سوم، تقویت زیرساخت‌های نهادی اقتصاد و حفظ و ارتقای تنوع فعالیت‌های تولیدی است. بخش دوم کتاب بر موضوع نهادها تمرکز دارد و مشتمل بر سه فصل است. فصل چهارم، به تحلیل سیاست صنعتی در قرن بیست و یکم می‌پردازد. در فصل پنجم، نهادهای پشتیبان رشد اقتصادی با کیفیت بالا معرفی می‌شود و در فصل ششم ماهیت صحیح نهادها تبیین می‌گردد.

فصل چهارم، به بحث پیرامون فعالیت‌های تولیدی پرداخته و این سؤال را مطرح می‌کند که چه نهادهایی می‌توانند توانایی تنوع بخشی به ساختارهای تولیدی و دست‌یابی به رشد اقتصادی پایدار را برای کشورهای در حال توسعه فراهم کنند. تحول ساختاری، مشخصه اصلی توسعه است. این فرآیند، خودکار نیست و به اقداماتی فراتر از کارکرد بازارها نیاز دارد. سیاست صنعتی، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی برای خلق مزیت را تشویق می‌کند. لازمه آن انتخاب برندگان [Picking Winners] توسط دولت و حمایت از آنها است. مخالفان (نئوکلاسیک) سیاست صنعتی، شواهدی ارائه می‌کنند

مبنی بر این که دولت ها قادر به انتخاب برندگان نیستند و آنرا باید به بازار واگذار کرد. در این فصل نشان داده شده که این استدلال، برداشتی اشتباه از سیاست صنعتی و نحوه کارکرد آن است؛ زیرا سیاست صنعتی، فرآیند همکاری راهبردی میان بخش های خصوصی و دولتی است که هدف آن شناسایی موانع و چالش های سرمایه گذاری در حیطه های جدید و همچنین طراحی سیاست های مناسب برای رفع آن هاست. در این فصل ویژگی های نهادی سیاست صنعتی بیان می شود.

فصل پنجم، به تبیین نهادهای پشتیبان رشد اقتصادی، عملکرد خوب بازارها و شکوفایی اقتصادی در بلندمدت می پردازد. ابتدا اقسام نهادهایی که سبب عملکرد مناسب بازارها می شود را برمی شمارد. سپس بر اهمیت دانش بومی در طراحی نهادهای مناسب رشد تأکید کرده است. در این ارتباط استدلال شده که نظام های سیاسی مشارکتی و غیرمتمرکز، مؤثرترین نوع نظام سیاسی موجود از لحاظ پردازش و تجمیع دانش بومی هستند. نظام های سیاسی مشارکتی، توانایی دستیابی به رشد اقتصادی بالا و باکیفیت را ایجاد می نماید.

فصل ششم به نقد ادبیات مرتبط با نهادها پرداخته و برخی از مباحث این حوزه بررسی می شود. همچنین در این فصل به این پرسش ها پاسخ داده شده است: اگر توجه خود را روی نهادها - به معنی قواعد بازی در یک جامعه - به عنوان عوامل تعیین کننده بنیادی رشد بلندمدت، متمرکز کنیم، آیا بدان معنا خواهد بود که سیاستهای اقتصادی، نقش اندکی در رشد اقتصادی ایفا می کنند؟ اگر نقش نهادها در تعیین سطوح درآمد، بسیار بیشتر از نقش جغرافیا در نظر گرفته شود، آیا این به معنای بی تأثیری جغرافیاست؟ اگر حقوق مالکیت نقش حیاتی در رشد دارد، آیا بدان معناست که کشورهای در حال توسعه، حقوق مالکیت رایج در ایالات متحده آمریکا و یا اروپا را اقتباس کنند؟ در این فصل استدلال می شود که پاسخ تمام این پرسش ها منفی است.

بخش سوم کتاب به جهانی شدن اختصاص دارد. در فصل هفتم، حاکمیت جهانی شدن اقتصاد بحث شده و در فصل هشتم حاکمیت تجارت جهانی با توجه به توسعه اقتصادی را تحلیل می کند. سرانجام در فصل نهم، به این پرسش پاسخ می دهد که جهانی شدن به نفع چه کسانی است؟

در فصل هفتم توضیح داده شده که چالش اصلی اقتصاد جهانی، تنش میان "ماهیت جهانی" بسیاری از بازارهای کنونی کالاها، خدمات و سرمایه و "ماهیت ملی" اکثر نهادهای پشتیبان و حامی این بازارها است. وجود این مغایرت باعث می‌شود تا امکان برقراری همزمان کارایی، برابری و مشروعیت وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی می‌توان با طراحی نهادهای مناسب برای حکمرانی اقتصادی، بخش عمده منافع جهانی شدن اقتصاد را بدست آورد.

در فصل هشتم بحث می‌شود که سازمان جهانی تجارت از اهداف اولیه خود که همانا توانمندسازی کشورها برای غلبه بر فقر است، فاصله گرفته و هدف حداکثر کردن تجارت را دنبال می‌کند. در چنین شرایطی منافع کشورهای در حال توسعه از منظر رشد اقتصادی، اصرار بر افزایش دسترسی به بازارهای کشورهای ثروتمند نیست؛ بلکه چالش اصلی این کشورها آن است که چگونه مقررات تجارت جهانی را با الزامات توسعه ای خود سازگار کنند. از این منظر، رژیم تجاری مطلوب، آن است که فضای سیاست‌گذاری بیشتری را برای پیگیری راهبردهای رشد در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار دهد. راهبردهایی که شامل سیاستهایی نظیر اعطای یارانه صادراتی، حفاظت تجاری و قواعد ضعیف ثبت اختراع می‌شود. همچنین می‌توان از طریق طراحی اقدامات حفاظتی نهادی، به این اطمینان دست یافت که این گونه اقدامات در کشورهای در حال توسعه منجر به حمایت‌گرایی نشود. بر اساس این نگرش جدید، سازمان جهانی تجارت، دیگر نباید به عنوان هماهنگ‌کننده سیاستها و رویه‌های تجاری میان کشورها عمل کند، بلکه باید به عنوان سازمانی که وجوه مشترک بین نهادها و رویه‌های متفاوت ملی را مدیریت می‌کند، به ایفای نقش پردازد. کشورهای در حال توسعه نیز دیگر نباید خود را وارد بازی موافقت‌نامه‌های تجاری و دسترسی به بازارهای دوجانبه کنند؛ بلکه باید از دسترسی به تمام ابزارهای سیاستی مورد نیاز خود اطمینان حاصل نمایند. بر این اساس رودریک گسترش "موافقت‌نامه مربوط به حفاظتها" [Agreement on Safeguards] در سازمان جهانی تجارت را پیشنهاد می‌کند (رودریک، ۲۰۰۷، ص ۲۱۵).

در فصل نهم ارتباط میان رشد اقتصادی و جهانی شدن بحث شده است. این پیشنهاد مطرح شده که اگر مذاکره کنندگان تجارت جهانی در قصد خود برای مفید بودن جهانی

شدن برای کشورهای در حال توسعه، جدی هستند، باید مجوز کار به کارگران غیرماهر کشورهای فقیر برای یک دوره 3 تا 5 ساله در کشورهای ثروتمند اعطا کنند. اگر جهانی شدن وجه ناشناخته ای داشته باشد، آن جابه جایی نیروی کار است. در حالی است که انعطاف در قواعد جابه جایی نیروی کار در سطح بین المللی، دارای فواید زیادی برای کارگران کشورهای در حال توسعه است.

۴. ارزیابی شکلی اثر

کتاب انگلیسی و ترجمه فارسی آن، نثر روان و رسایی دارد. قواعد عمومی نگارش و ویرایش به خوبی رعایت شده و ترجمه فارسی دارای ویراستار ادبی است. از نظر کیفیت چاپ، طرح جلد، حروف نگاری، صفحه آرایی، صحافی و قطع کتاب، مانند سایر انتشارات معاونت امور اقتصادی در وزارت امور اقتصادی و دارایی، مناسب است. از نظر اغلاط چاپی، مواردی مانند اغلاط زیر به چشم می خورد:

تکنولوژی: تکنولوژی - سطر هفتم، ص ۱۰۸

عبایی: صفحه ۲۸۲ - ابایی درست است.

حورزه های صفحه ۲۹۸، حوزہ های درست است.

از نظر معادل سازی اصطلاحات تخصصی، مواردی وجود دارد که نیازمند بازنگری است. موارد زیر از آن جمله است.

ترجمه قیود الزام آور [binding constraints] در صفحه ۹۳ و ۱۱۰، در واقع به معنای "محدودیت های دست و پاگیر" است که معادل مناسبی است.

ترجمه نقائص هماهنگی [coordination failure] در صفحه ۱۰۸، می تواند با عبارت "نارسایی در هماهنگی" جایگزین شود.

ترجمه "جنبه های تجاری حقوقی مالکیت معنوی" [Trade related intellectual property rights] در صفحه ۱۶۵ پیشنهاد می شود با "حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت" جایگزین شود که معادل مناسبی است.

برای معادل سازی انگلیسی "راهبرد چماق و هویج" [Carrot and Stick Strategy]، سطر آخر صفحه ۱۷۱، "راهبرد تنبیه و تشویق" معادل مناسبی است.

ترجمه استدلال پیشینی [ex-ante] در صفحه ۱۸۱ سطر ۱۳، در واقع به معنای استدلال معطوف به آینده است و برعکس پیشینی و دلیل قبلی است که در ترجمه ذکر شده است. برای معادل انگلیسی "تک سایز" [one-size-fit-all] در صفحه ۱۸۲، عبارت "یک سیاست مناسب برای همه" برای متن، مناسب به نظر می‌رسد. برای ترجمه "مالکیت معنوی" در صفحه ۲۱۲، "مالکیت فکری" می‌تواند استفاده شود. عبارت ترجمه شده "توسعه نسبی" [comparative development] در صفحه ۲۶۲، در واقع به معنای "توسعه تطبیقی" (مقایسه ای) است. معادل انگلیسی "کت بند زرین" [straitjacket] در صفحه ۲۸۶، در واقع به معنای "جلیقه نجات" است. برای عبارت سازمان تجارت جهانی در صفحه ۳۰۳، "سازمان جهانی تجارت" معادل مناسبی است. سرانجام اینکه متن انگلیسی کتاب، دارای نمایه موضوعی است، در حالی که کتاب ترجمه شده، فاقد آن است.

۵. ارزیابی محتوای اثر

در زمینه محتوای کتاب، قوت‌ها و چالش‌های زیر وجود دارد: اول، در عنوان کتاب، "تجویزهای بسیار" ترجمه شده است، در حالی که معادل تجویز، prescription است. ترجمه "دستورالعمل‌های بسیار" مناسب‌تر است. زیرا کلمه recipe به معنای دستورالعمل آشپزی و پخت و پز است. علاوه بر آن، این سوال مطرح می‌شود که آیا این یک "کتاب آشپزی" است؟ در کاربردهای رایج، به کاربرد عبارت "کتاب آشپزی" [cookbook] برای یک متن علمی (البته خارج از رشته آشپزی)، عبارتی تحقیرآمیز است. این کتاب مشتمل بر دستورالعمل‌های سیاستی برای سیاست‌گذاران اقتصادهای در حال توسعه است. اما مناسب نیست که آن را به "کتاب آشپزی" تشبیه کنیم، زیرا این کتاب چگونگی دستیابی به تصمیمات سیاستی را نیز توضیح می‌دهد. ترجمه مناسب‌تر برای عنوان کتاب "یک علم اقتصاد، دستورالعمل‌های بسیار" است.

دوم، هر چند در مقدمه کتاب، رودریک مبانی فکری کتاب را مبتنی بر تحلیل های اقتصادی نئوکلاسیک می داند ولی جنبه نوآورانه و متمایز کتاب، در تمایز دیدگاه وی با اتفاق نظر اقتصاددانان نئوکلاسیک است. تمایز دیدگاه رودریک با دیدگاه اقتصاددانان نئوکلاسیک در خصوص سیاست توسعه، ناشی از قرائت متفاوت از شواهد و حقایق آشکار شده از کشورهای درحال توسعه و ارزیابی متفاوت وی از اقتصاد سیاسی این کشورها است. بنابراین درعمل، کاستی های روش شناسی اقتصاد نئوکلاسیک در تجویزهای سیاستی جهان روا به کشورهای درحال توسعه، به رغم تفاوت های آنها را نشان می دهد.

دیدگاه رودریک صریحاً اقتصاد دومین بهترین [Second best] برای اقتصادهای درحال توسعه است. بر این اساس استدلال می کند که هر چند یک علم اقتصاد وجود دارد، اما نسخه واحدی برای توسعه اقتصادی وجود ندارد و حتی برای یک چالش یکسان در دو اقتصاد، نمی توان راه حل واحدی ارایه کرد. در واقع لحاظ اقتضائات خاص [-context specific] هر کشور در سیاستگذاری رشد اقتصادی، از ممیزات فکری و نقطه قوت کتاب رودریک است. استدلال وی آن است که اصلاحات سیاستی، زمانی با موفقیت همراه خواهند شد که در تدوین آنها، در کنار اصول اقتصادی، ظرفیت ها، محدودیت ها و فرصت های یک کشور نیز مد نظر قرار گیرد. از آنجا که شرایط کشورها با یکدیگر متفاوت است، در نتیجه اصلاحات مشابه، نتایج متفاوتی در پی خواهد داشت. به همین جهت اتخاذ سیاستهای رشد اقتصادی نیازمند دانش قابل ملاحظه بومی در خصوص شرایط کشور است. بنابراین رودریک طرفدار تحلیل زمینه ای [contextual analysis] برای رشد اقتصادی است. البته این موضع رودریک مشروط بر آن است که زمینه و شرایط کشور تغییر نکند. اما با توجه به این که عمده کشورهای درحال توسعه دچار تحول دایم هستند، آسیب شناسی پویا مورد نیاز است.

برای تبیین تمایز فکری خود، رودریک در فصل اول، تحلیل اقتصادی نئوکلاسیک را بسیار منعطف می داند. در فصل سیاست صنعتی بیان می کند که تحلیل اقتصادی نئوکلاسیک، ترتیبات نهادی را تعیین نمی کند. علاوه بر آن، در همان فصل سیاست صنعتی می افزاید که نوآوری های نهادی مؤثر در یک کشور، لزوماً در سایر کشورها اثربخش نخواهند بود.

رودریک، مطالعه دقیق شواهد تجربی را بسیار مهم می‌داند، زیرا بر این باور است که دستورالعمل‌های اقتصاددانان باید مبتنی بر تجربیات و آگاهی کامل از شواهد باشد. از این رو در کنار مدل‌های رگرسیونی بین‌کشوری، مطالعه دقیق و جامع کشورها را نیز ضروری می‌داند. بر این اساس معتقد است که اگر اعتبار نتایج به دست آمده از مدل‌های رگرسیونی، به وسیله مطالعات موردی تأیید نشد، باید به آنها به دیده تردید نگریست. در نهایت وی نتیجه‌گیری می‌کند که برای توضیح پدیده‌های جهان واقعی، به هر دوی شواهد (شرایط اقتصاد- نتایج مدلها) نیاز داریم.

نگاه متمایز رودریک نسبت به نئوکلاسیکها در مورد نقش دولت این است که دولت با خیرخواهی می‌تواند نقش مثبتی در توسعه اقتصادی داشته باشند. نقشی که فراتر از توانمندسازی بازارها و ارتقاء عملکرد آنها است. سیاست‌های رشد مناسب برای هر کشور، تابع شرایط و اقتضائات خاص همان کشور است. دلیل این امر آن نیست که علم اقتصاد در ساختارها و تنظیمات نهادی مختلف، کارکرد و تأثیر متفاوتی دارد؛ بلکه به این دلیل است که محیطی که در آن خانوارها، بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران فعالیت می‌کنند، از نظر فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که با آن مواجه هستند، با یکدیگر متفاوت است. تقلید و اقتباس (یا رد) بی‌کم و کاست سیاست‌ها بدون کسب آگاهی کامل از شرایطی که زمینه موفقیت (یا شکست) آن کشور را فراهم کرده، تجویز فاجعه است. به همین جهت شناسایی محدودیت‌های دست و پاگیر در رشد اقتصادی از موضوعات اصلی این کتاب است. در واقع آن چیزی که دولت‌ها به آن احتیاج دارند فهرستی از اصلاحات سیاستی در حوزه‌های مختلف نیست؛ بلکه رویکرد آسیب‌شناسانه است که مبتنی بر شواهد و واقعیت‌های بومی، به شناسایی اولویت‌ها بپردازد.

سوم، نقطه قوت دیگر کتاب که از ابتکارات رودریک است، تمایز میان شروع رشد اقتصادی و تداوم آن است. موضوع شروع رشد، از زاویه‌ای که رودریک مطرح کرده است، در متون اقتصاد کلان و اقتصاد رشد مورد بحث قرار نمی‌گیرد. آسیب‌شناسی رشد به عنوان بدیل سیاستهای اجماع‌واشنگتنی و تعدیل اقتصادی، برای شروع رشد از طریق شناسایی و رفع محدودیتهای دست و پاگیر در هر کشور است. برای تداوم رشد اقتصادی، اقدام دولت از طریق اتخاذ سیاست صنعتی و انتخاب برندگان را مطرح می‌کند تا از تنوع بخشی به تولید و صادرات، حمایت کند.

چهارم، ابتکار دیگر کتاب رودریک، ارایه تجویزی برای انعطاف پذیرتر شدن سازمان جهانی تجارت و نقش تجارت در توسعه اقتصادی است. رودریک از اغراق در بیان مزایای آزادسازی تجارت در محافل سیاستگذاری انتقاد کرده و می نویسد که "شواهد کمیابی طی پنجاه سال گذشته وجود دارد که نشان دهد اقتصادهای درون نگر به طور سیستماتیک، رشد اقتصادی سریعتری از اقتصادهای باز تجربه کرده اند (رودریک، ۲۰۰۷، ص ۲۲۱). در فصل اول استدلال می کند که "صنعتی شدن مبتنی بر جایگزینی واردات، در تحریک رشد اقتصادی تعدادی از کشورهای در حال توسعه مانند برزیل، مکزیک و ترکیه کاملاً موثر بوده است (رودریک، ۲۰۰۷، ص ۵۰). از نظر رودریک رژیم تجاری مطلوب آن است که فضای سیاستگذاری بیشتری برای پیگیری استراتژی های رشد در کشورهای در حال توسعه فراهم کند.

پنجم، در مرحله اول از طریق شناسایی تنگناهای رشد و با رفع موانع رشد، کشورها می توانند به مرحله دوم دست یابند که همانا تداوم رشد است. اما تفاوت میان کشورها در مرحله دوم (تداوم رشد) و سیاستها و اقدامات لازم، در کتاب رودریک نامشخص است. از آنجا که رسیدن به مرحله تداوم رشد، هدف سیاست توسعه است، این پرسش مطرح می شود که چرا اکثر کشورها قادر به تداوم رشد اقتصادی نیستند. علاوه بر آن، در باره مکانیزم انتقال از مرحله اول (شروع رشد) به مرحله دوم (تداوم رشد)، در کتاب رودریک توضیح داده نشده است. همچنین در باره مرحله دوم رشد، تنها به ترتیبات نهادی مساعد رشد در این کتاب اشاره شده است، اما به نحوه شناسایی نهادهای مناسب هر کشور که با رشد پایدار سازگار هستند، پرداخته نشده است.

ششم، تعارض و یا چگونگی توافق و مصالحه میان زمینه و اقتضائات خاص هر کشور (که رودریک طرفدار آن است) و قواعد جهان شمول و اصول استاندارد در سیاست توسعه، توضیح داده نشده است. رویکرد اقتضائات خاص و منحصر به فرد بودن هر کشور و الگوی توسعه آن که مکتب تاریخی نیز طرفدار آن است می تواند به نسبی گرایی سیاستهای توسعه اقتصادی بیانجامد که در هر شرایط با شرایط دیگر تفاوت دارد. از نظر اندیشمندان مکتب تاریخی، هر اقتصادی باید در پی درک قوانین تطور خود باشد؛ زیرا توسعه هر اقتصادی، منحصر به فرد است و هر اقتصادی الگوی توسعه اقتصادی خود را دارد که از شناخت ویژگیهای خاص هر جامعه و اقتصاد و پیشینه اقتصادی مختلف با

یکدیگر، بدست می‌آید (میرجلیلی، ۱۳۸۶، ص ۵۷). یکی از مهمترین آموزه‌های مکتب تاریخی آنست که چون هر اقتصادی منحصر به فرد است؛ لذا الگوی توسعه اقتصادی خاص خود را دارد که از آن می‌توان به الگوی بومی توسعه تعبیر کرد. این بدان معنا است که در اتخاذ الگوی توسعه اقتصادی باید از نسخه برداری پرهیز کرد و از نسخه مناسب اقتصاد آن سرزمین پیروی کرد (میرجلیلی، ۱۳۸۶، ص ۷۰). در حالی که درعین صادق بودن شرایط توسعه خاص هر کشور، یکسری آموزه‌های مشترک بر اساس تجربه توسعه کشورهای مختلف وجود دارد که در همه کشورها صادق است. نسبی‌گرایی باعث می‌شود از تجربه توسعه سایر کشورها غفلت شود، به دلیل اینکه هر اقتصادی را منحصر به فرد می‌داند. به این تعارض در زمینه سیاست توسعه در کتاب رودریک پرداخته نشده است.

هفتم، از جهت بررسی درون‌ساختاری، انسجام و نظم منطقی مطالب در کل اثر و بین فصول اصلی آن وجود دارد. از مجموع نه فصل کتاب، سه فصل از کتاب به رشد، سه فصل دیگر به نهادها و سرانجام سه فصل پایانی به جهانی شدن اختصاص یافته است. هر فصل نیز به طور منسجم به تحلیل موضوع خود می‌پردازد. منابع مورد استفاده در کتاب، از جهت علمی معتبر و نسبتاً جامع و روزآمد است و به قدر کفایت استفاده شده است، به طوری که هجده صفحه از انتهای کتاب (صص ۳۵۱-۳۶۸) به فهرست منابع اختصاص یافته است.

بررسی و پردازش تجویزهای متعدد از علم واحد، در کتاب به طور مستدل انجام شده است. نقد دیدگاه نئوکلاسیک با ظرافت و با استفاده از شواهد انجام شده است. نوآوری اثر در ارایه دیدگاه خلاقانه و متفاوت با طرح استدلال نو نسبت به رشد و توسعه اقتصادی است. به گونه‌ای که سازمانهای اقتصادی بین‌المللی این روش را در بررسی‌های خود برگزیده‌اند. محتوای اثر با عنوان و فهرست آن کاملاً منطبق است. برای تفهیم موضوع از ارایه شواهد و تجربه کشورها بهره‌گیری شده است. این اثر در راستای پاسخگویی به نیاز جامعه در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است و می‌تواند به عنوان یک متن کمک‌درسی در درس رشد و توسعه اقتصادی در مقطع تحصیلات تکمیلی علوم اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

۶. نقد روش شناختی آسیب شناسی رشد

اتخاذ روش آسیب شناسی رشد به سیاستگذاران رشد کمک می کند تا به شناسایی و رفع تنگنای رشد پردازند. این روش، به سیاستگذاران رشد می گوید که همه محدودیتهای رشد، یکسان نیستند و در انبوهی از محدودیتهای رشد، رفع کدام محدودیت، اولویت دارد. کافی است محدودیت هایی را برگزید که در اقتصاد آن کشور، دست و پاگیر هستند، به جای اینکه صرفاً به انباشت سرمایه و افزایش مهارتهای انسانی و ارتقای بهره وری پردازند و انتظار داشته باشند که رشد اقتصادی محقق شود. همچنین، این روش برای این پرسش مکرر کشورهای درحال توسعه که چرا به رغم انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، رشد بالا و مستمر، به دست نمی آید؟ پاسخ عمل گرایانه ای می دهد. درحالی که رویکرد نظریات رشد، بدون شناسایی تنگناها، فرض می کند هیچ تنگنایی برای رشد اقتصادی وجود ندارد و روابط کلی و قیاسی برای به کارگیری عوامل مؤثر بر رشد ارائه می کند و آن را قابل کاربرد در تمام کشورها می داند (میرجلیلی، ۱۳۹۵، صص ۲۵-۲۶). به رغم آنچه از نقاط قوت آن گفته شد، روش آسیب شناسی رشد، با نقدهای روش شناختی زیرمواجه است:

اول، شناسایی محدودیتهای دست و پاگیر، متکی بر نظر و قضاوت تحلیل گر است (Sartor، ۲۰۰۷، ص ۱۲ و، Leipziger and Zagha، ۲۰۰۶، ص ۲).

دوم، آسیب شناسی رشد یک مسئله برنامه ریزی غیرخطی است که ممکن است مستلزم بیش از یک راه حل (محدودیت دست و پاگیر) باشد. هم تابع و هم محدودیت ها، کاملاً غیرخطی هستند و به همین دلیل پرداختن به یک محدودیت در یک زمان معمولاً یک راه ناکارآمد برای حداکثرسازی آن تابع است (Rodriguez، ۲۰۰۵، ص ۳).

پاسخ نظریه پردازان آسیب شناسی رشد این است که همه محدودیتها به یک اندازه مهم نیستند و لذا تمرکز بر محدودیت هایی است که بیشترین اثر مستقیم را دارند. ازاین رو می تواند بیش از یک محدودیت باشد که باید رفع شود یا تخفیف پیدا کند (Hausmann، Klinger and Wagner، ۲۰۰۸، ص ۲۴).

ساکس (Sachs) نیز می گوید که در کشورهای درحال توسعه برای ایجاد تغییر بزرگ باید بر چند محدودیت دست و پاگیر متمرکز شد و نباید تنها یک محدودیت دست و پاگیر را مورد توجه قرار داد (به نقل از Sartor، ۲۰۰۷، ص ۱۹).

رودریک (۲۰۱۰، ص ۳۷) پاسخ می‌دهد که کشورهایی در رشد موفق هستند که به طور پی در پی مهمترین محدودیتهای رشد را شناسایی می‌کنند و آنها را با درمانهای مناسب داخلی، رفع می‌کنند.

سوم، اگر قیمت سایه یک منبع، بالا باشد، در آسیب شناسی رشد گفته می‌شود که این منبع، محدودیت برای رشد است. اما در شرایطی که چند اختلال وجود داشته باشد، علایم قیمتی احتمالاً شاخص های ناکافی برای انعکاس کمیابی نسبی هستند. نظریه پردازان آسیب شناسی رشد در پاسخ به این چالش توصیه کردند که "علایم غیرقیمتی" را نیز در نظر بگیریم. زیرا محدودیت دست و پاگیر عموماً منجر به فعالیتهای و ترتیباتی می‌شود که برای دور زدن محدودیت انجام می‌شود. (Hausmann, Klinger and Wagner, ۲۰۰۸، ص ۲۴).

چهارم، نقد دیگر روش آسیب شناسی رشد، ماهیت ایستای آن است، درحالی که توسعه، یک فرآیند پویاست. این روش نمی‌گوید که وقتی با محدودیتهای دست و پاگیر مقابله شد و اقتصاد شروع به رشد کرد، چگونه با محدودیتهای دست و پاگیر بالقوه در آینده مواجه شویم؟ آسیب شناسی رشد بر محدودیت هایی متمرکز می‌شود که در زمان تحلیل، دست و پاگیر است، اما این لزوماً برای آینده صدق نمی‌کند. به همین دلیل، این روش برای شناسایی اصلاحات نهادی که می‌تواند رشد در میان مدت و بلندمدت را تداوم بخشد، مناسب نیست. (Felipe and Usui, ۲۰۰۸، ص ۱۵)

پنجم، آسیب شناسی یک بیمار و درمان وی، دو چالش متفاوت است. چگونه میتوان نتایج آسیب شناسی رشد را به گزینه هایی برای سیاستگذاران جهت علاج، تبدیل کرد؟ "درمان شناسی رشد" [Growth Therapeutics] خود نیازمند ارزیابی ظرفیت یک کشور برای اجرای اصلاحات است که در این روش بدان پرداخته نشده است (Habermann and Padrutt, ۲۰۱۲، ص ۲۱).

ششم، یکی از مشکلات اجرای روش درخت تصمیم و آسیب شناسی رشد این است که بدلیل نبود برخی بازارها در کشورهای درحال توسعه، محاسبه قیمت های سایه برای شناسایی محدودیت های دست و پاگیر رشد، درعمل بسیار دشوار است. علاوه بر آن، اگر کمبود اعتبار به دلیل اجرای ضعیف قراردادهای اعتباری باشد، انعکاس این محدودیت در قیمت های سایه ای با تردید مواجه است.

هفتم، مشکل دیگر در روش آسیب شناسی رشد این است که بدلیل حصری بودن محدودیتها در تنها دو یا سه مورد در درخت تصمیم (رودریک، ۱۳۹۷، ص ۱۰۹)، اگر بررسی محدودیت ناشی از نارسایی (شکست) دولت، از نوع دست و پاگیر تشخیص داده نشد، آنگاه نتیجه آن خواهد بود که محدودیت دست و پاگیر ناشی از نارساییهای (شکستهای) بازار است. در آن صورت، بررسی آثار خارجی ناشی از اطلاعات یا آثار بیرونی ناشی از هماهنگی به عنوان محدودیت دست و پاگیر، بسیار دشوار است.

هشتم، مساله دیگر این است که نقطه شروع درخت تصمیم محل سوال است و ممکن است سطح پایین سرمایه گذاری خصوصی و کارآفرینی، مشکل اصلی رشد اقتصادی یک کشور نباشد.

نهم، در زمینه تعارض صاحب سرمایه با نیروی کار، آسیب شناسی رشد می گوید این تعارض ها متعلق به عوامل مرتبط با قابلیت تملک است. اما ممکن است به دلیل اختلافات داخلی یا اتحادیه های کارگری قدرتمند باشد. چنین اختلافاتی می تواند بازدهی پایین سرمایه گذاری را باعث شود. برخی اوقات ممکن است نهاده ها برای یک شرکت در دسترس باشد، اما آن نهاده ها بدلایلی غیرقابل استفاده باشد که بر نرخ بازده اثر منفی می گذارد. این مشکل در درخت تصمیم مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع منطق شناسایی دست و پاگیرترین محدودیتها هر کشور، سراسر نیست.

به دلیل این نوع مشکلات، مطالعات انجام شده برای شناسایی محدودیت های دست و پاگیر اغلب با نظرسنجی انجام می شود. مروری بر بررسی های آسیب شناسی رشد منتشره در سایت بانک جهانی حاکی از آن است که روشهای کمی به شیوه ای که در دستورالعمل [Mind book] رایج شده توسط رودریک و همکاران (۲۰۰۸) بیان شده، در عمل به کار گرفته نشده است.

بدلیل این قبیل محدودیتها، تحقیقات منتشره در ایران در زمینه آسیب شناسی رشد اقتصادی، از روشهای کیفی استفاده کرده اند.

مهدوی و مجدزاده (۱۳۹۰) در بررسی «موانع اساسی رشد اقتصادی در ایران با مدل آسیب شناسی رشد» به شناسایی موانع رشد اقتصادی در ایران پرداخته اند. آنها از رویکرد رد و قبول استفاده کرده اند و به روش توصیفی - تحلیلی، موانع رشد اقتصادی ایران را بررسی کردند. نتایج بررسی نشان می دهد که محدودیت های رشد در ایران در دو بخش

ریسک‌های خرد و کلان است. در ریسک‌های خرد، مشکلات دولت در حقوق مالکیت و هماهنگی میان نهادها است و در ریسک‌های کلان، بی‌ثباتی مالی و پولی، مانع رشد هستند. میرجلیلی (۱۳۹۵) در بررسی "چگونگی شناسایی تنگنای رشد اقتصادی"، محدودیت‌های سه روش مرسوم برای شناسایی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی یعنی رگرسیون رشد کشور، حسابداری رشد و مقایسه با معیارهای (رتبه بندی‌های) بین‌المللی را مطرح می‌کند. در معرفی روش آسیب شناسی رشد به معرفی درخت تصمیم در این روش می‌پردازد و معیارهای شناسایی محدودیت‌های دست و پاگیر را تبیین می‌کند. سپس تجربه مطالعات آسیب شناسی رشد در مغولستان، برزیل، السالوادور، گرجستان، پاکستان، بولیوی، پرو و نیکاراگوئه را معرفی می‌نماید. در نهایت، ضرورت مطالعه آسیب شناسی رشد برای برنامه ششم توسعه در ایران را با توجه به عملکرد رشد اقتصادی کشور، به عنوان توصیه سیاستی ارائه می‌نماید (میرجلیلی، ۱۳۹۵، صص ۱-۳۱).

اکبرزاده، پهلوانی و میرجلیلی (۱۳۹۷)، در بررسی "تنگنای رشد اقتصادی ایران"، از روش داده بنیاد استفاده نموده‌اند. برای شناسایی محدودیت‌ها و تنگنای رشد و رفع آن با استفاده از روش آسیب شناسی رشد و بر اساس درخت تصمیم، به بررسی محدودیت‌های رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ پرداخته شده و از مصاحبه باز استفاده گردیده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، ضعف در تأمین مالی، محدودیت اصلی دست و پاگیر برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی کشور و تعیین کننده رشد اقتصادی کشور شناسایی شده است (صص ۲۴۷-۲۷۰).

همانگونه که ملاحظه می‌شود تحقیقات انجام شده در ایران، از روش‌های کیفی استفاده کرده‌اند. این موضوع در مورد پژوهش‌های خارجی منتشره در مورد آسیب شناسی رشد سایر کشورها نیز صادق است.

۷. نتیجه‌گیری

جنبه نوآورانه کتاب، تمایز دیدگاه رودریک با اتفاق نظر اقتصاددانان نئوکلاسیک در مورد رشد اقتصادی است. لحاظ کردن اقتضائات خاص هر کشور در سیاستگذاری رشد اقتصادی، نقطه قوت کتاب است. به همین جهت اتخاذ سیاست‌های رشد اقتصادی، نیازمند دانش قابل ملاحظه بومی درباره شرایط کشور است. نقطه قوت دیگر کتاب، تمایز میان

شروع رشد اقتصادی و تداوم آن است. ابتکار دیگر کتاب، ارایه تجویزی برای انعطاف پذیرتر شدن سازمان جهانی تجارت و نقش تجارت در توسعه اقتصادی است. محاسبه قیمت های سایه برای شناسایی محدودیت های دست و پاگیر رشد، در عمل بسیار دشوار است. تعارض و یا چگونگی توافق و مصالحه میان اقتضائات هر کشور و قواعد جهان شمول در سیاست توسعه، توضیح داده نشده است. هر چند روش آسیب شناسی رشد، با نقدهای روش شناختی متعددی مواجه است ولی تأثیر قابل توجهی در نحوه سیاستگذاری رشد اقتصادی داشته است. این کتاب را می توان به عنوان متن فرعی برای درس اقتصاد توسعه در مقطع کارشناسی ارشد توصیه کرد.

پی نوشت ها

۱. مقصود از سیاستهای اجماع واشنگتنی یا تعدیل اقتصادی، سیاستهای آزادسازی قیمتها، آزادسازی تجاری، خصوصی سازی، مقررات زدایی و کاهش یارانه ها برای کاهش مخارج دولت است (رودریک، ۱۳۹۷، ص ۳۰). اجماع واشنگتنی رویکرد سیاستی نئوکلاسیک است که در سیاستگذاری توسعه در بسیاری از سالهای دهه ۱۹۹۰ حاکم بود.

2. Rodrik, Dani (2017). Straight Talk on Trade: Ideas for a Sane Economy. Princeton University Press
3. Rodrik, Dani (ed) (2011). "The Globalization Paradox". W.W.Norton.
4. Rodrik, Dani (ed) (2003). "In Search of Prosperity: Analytic Narratives on Economic Growth". Princeton University Press.
5. Rodrik, Dani (2001). "The Global Governance of Trade as If Development Really Mattered". UNDP.
6. Rodrik, Dani (1997). "Has Globalization Gone Too Far?". Institute for International Economics.
7. Rodrik, Dani, R. Hausmann and Andres Velasco, (2008), "Growth diagnostics", in: J. Stiglitz and N. Serra, eds., The Washington consensus reconsidered: Towards a new Global Governance, Oxford University Press, New York
8. Rodrik, Dani, (2012), "Do We Need to Rethink Growth Policies?" in: Olivier Blanchard, David Romer, Michael Spence and Joseph Stiglitz (eds.), In the Wake of the Crisis: Leading Economists Assess Economic Policy, MIT Press
9. Rodrik, Dani, (2007), "One Economics, Many Recipes: Globalization, Institutions and Economic Growth", Princeton University press, Princeton

کتاب‌نامه

- اکبرزاده، امین، پهلوانی، مصیب و میرجلیلی، سیدحسین، "مدیریت توسعه و رشد اقتصادی در ایران؛ تحلیلی بر تنگنای رشد با رویکرد داده بنیاد"، فصلنامه (علمی- پژوهشی) پژوهشهای مدیریت عمومی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۴۷-۲۷۰.
- رودریک، دنی، (۱۳۹۷)، "یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار"، ترجمه هادی ورتاییان، تهران: انتشارات پیک نور.
- رودریک، دنی، (۱۳۹۵)، "اقتصاد حکم می‌راند: صحت و سقم این علم ملال آور"، ترجمه محمد رضا فرهادی پور، تهران: انتشارات آشتیان.
- میرجلیلی، سید حسین، (۱۳۸۶)، "آموزه‌های مکتب تاریخی برای تحلیل اقتصاد ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۴۳-۷۵.
- میرجلیلی، سید حسین، (۱۳۹۵)، "چگونگی شناسایی تنگنای رشد اقتصادی"، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- Habermann, Harald and Padrutt, Pablo, (2011), "Growth Diagnostics: Strengths and weaknesses of a Creative Analytical Framework to Identify Economic Growth Constraints in Developing countries", Journal of knowledge, Management, Economics and Information Technology, issue7, pp.1-22.
- Hausmann, Ricardo, Klinger, Bailey and Wagner, Rodrigo (2008), "Doing Growth Diagnostics in Practice: A Mind book", Center for International Development at Harvard University, working paper No.177.
- Hausmann, Ricardo, Rodrik, Dani and Velasco, Andres, (2005), "Growth Diagnostics", In: growth lab.cid.harvard.edu/files/growth-diagnostics.pdf
- Hausmann, Ricardo and Klinger, Bailey, (2008), "Growth Diagnostics in Peru", Center for International Development, Harvard University, Working Paper No. 181.
- Leipziger, D. & Zagher, R. (2006), "Getting Out of the Rut", Finance and Development, International Monetary Fund, Vol.43, no.1
- Mahdavi, A. & Majderezade, H., "The Fundamental Impediments of Economic Growth in Iran: An H-R-V Model", *Iranian Economic Review*, Vol.16, No.31, 2012. (...۱۳)
- Felipe, J. & Usui, N. (2008), "Rethinking the Growth Diagnostics Approach: Questions from the Practitioners", ADB Economics Working Paper Series, No.132, Asian Development Bank.
- Rodriguez, Francisco, (2005), "Comment on Hausmann and Rodrik", Available at: http://frodriquez.web.wesleyan.edu/docs/academic_english/comments_hausmann_rodrik.pdf

Rodrik, Dani,(2012),”Why We Learn Nothing from Regressing Economic Growth on Policies”, Seoul Journal of Economics, Vol.25,No.2,pp.137-149

Rodrik, Dani, (2010),”Diagnostics Before Prescription”, Journal of Economic Perspectives, Vol.24, No.3, summer

Rodrik, Dani,(2007),”One Economics, Many Recipes: Globalization, Institutions and Economic Growth”, Princeton University press, Princeton

Sartor,O.(2007),”An Outline and Critique of Growth Diagnostics as a Response to the Policy Vacuum Left by the Washington Consensus”, Seminar Paper in Development Economics, Institute of Public Economics, Humboldt University, Berlin